

حقوق شهروندی متهم با توجه به قوانین

کیفری افغانستان

عارف حمداللهی^۱

بشیر احمد محمدی (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

حقوق شهروندی از ضروریات جامعه بشری است و همه حکومت‌ها تلاش در رعایت آن دارند. فردی که متهم به ارتکاب جرم است، نیازمند برخورداری از حقوقی است که یک شهروند در حالت عادی از آن بهره‌مند می‌باشد. در همین راستا حقوق کیفری در قالب مواد آیین دادرسی کیفری که متضمن حقوق افراد در مراجع قضایی است اقدام به ایجاد بنیادها و اصولی نموده است که هر یک به نوبه خود، در راستای حفظ حقوق متهم و احترام به آزادی او نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از جمله این اصول، اصل برائت، اصل تساوی سلاح‌ها، حق برخورداری از وکیل مدافع و احترام به حریم خصوصی افراد در مرحله دادرسی است. در این نوشتار سعی می‌شود تا با بررسی هریک از این حقوق و اصول پیش‌بینی شده در قانون، با رویکرد نگاه به حقوق کشور جمهوری اسلامی افغانستان، کلیات و مبانی نظری تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: حقوق شهروندی متهم قوانین کیفری افغانستان.

۱. استاد همکار و دبیر پژوهشی گروه حقوق جامعه المصطفی ﷺ العالمیه نمایندگی خراسان

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه نمایندگی خراسان

مقدمه

یک «شهروند»، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتا مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این‌رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است.

یکی از مقتضیات اصل کرامت ذاتی انسان، حق بهره‌مندی شهروندان از حقوق اجتماعی آنان است. این حقوق، بشری بوده و در بسیاری از اسناد بین‌المللی در سطح جهان و منطقه، پیش‌بینی گردیده است. در قوانین اساسی و عادی کشورها از جمله افغانستان نیز پاره‌ای از اصول و قواعد، حاکم شده است، لیکن علی‌رغم اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که حقوق شهروندی، در نظام حقوق بین‌الملل و به‌طور کلی جوامع مردم سالار دارد، در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، تعریف مشخص و روشنی از آن به عمل نیامده است.

در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. مفهوم واژه شهروند

«شهروندی»، معادل واژه انگلیسی Citizenship را قالب پیشرفته واژه «شهروندی» می‌شمارند. به اعتقاد بعضی از کارشناسان زبان، شهروندی که در یک منطقه زندگی می‌کردند وقتی که به حقوق و امور حقوقی یکدیگر احترام می‌گذاشتند و با ادب برخورد می‌کردند و به مسئولیت‌های یکدیگر و به اجتماع انسانی خود، عمل کردند به عنوان و مقام «شهروند» ارتقاء می‌یافتند.

شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد، اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده‌است، اگرچه امروزه بسیاری به شهروندی جهانی نیز می‌اندیشند. شهروندی امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته‌است. شهروندی در زبان فارسی از مشتقات شهر City است. کسی که در شهر زندگی می‌کند. اهل یک شهر یا یک کشور. (محمد معین، ۱۳۷۱، واژه شهروند)

۲.۱. مفهوم متهم

متهم در لغت عرب بر وزن محترم از ماده «وهم» است. طریحی در تعریف وهم می‌گوید: «وهم عبارت است از سهو و آنچه که در خاطر و خیال واقع می‌شود». (فخرالدین بن محمد طریحی، ۱۳۹۵ق: ۲۰)

متهم در زبان فارسی به معنای «به بدی شناخته شده و مورد تهمت قرار گرفته شده» معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۳۸۳: ۴۲)

مشهور فقها در تشخیص مدعی از مدعی علیه سه معیار را بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از: «المدعی هو الذی یترک لو ترک الخصومه، أو هو الذی یُخالف قوله الأصل، أو هو الذی یدعی خلاف الظاهر». (عبدالکریم موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸ق: ۳۰)

۳.۱. مفهوم قوانین کیفری افغانستان

مفهوم قوانین کیفری افغانستان به صورت متفرقه در مقالاتی اشاره شده که می‌شود به یک نمونه اشاره کرد، ولی تعریف منطقی از آن یافت نشد. در یکی از مقالات چنین آمده است:

اگر چه قانون اساسی افغانستان قاضی را مکلف کرده است چنانچه حکم قضیه را در قوانین مدون نیافت به فقه حنفی مراجعه کند، شرایطی صریح و ضمنی نیز برای این مراجعه تعیین کرده است. از جمله این شرایط رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که به مثابه یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق کیفری مدرن، به بهترین شکل، نه تنها در قانون اساسی فعلی بلکه در هر شش قانون اساسی اخیر افغانستان تضمین شده است.

ماده اول قانون جزا (مصوب ۱۳۵۵) نیز که حکم کرده این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌کند و برای حدود، قصاص و دیات به فقه حنفی رجوع می‌شود، با این شرایط صریح و ضمنی قانون اساسی مغایر بوده و می‌توان به مثابه یک «قانون

ضعیف» از آن چشم‌پوشی کرد. به طور کلی، اگر چه شریعت در قانون اساسی افغانستان جایگاه ممتازی دارد، همانند قانون اساسی ایران نیست که بر عموم و اطلاق تمامی قوانین از جمله مواد قانون اساسی، حاکم باشد. افزون بر این، رفتار قانونگذار در مواد بعدی همان قانون جزا نشان می‌دهد که خود وی نیز اعتقادی به ماده اول این قانون نداشته و آن را صرفاً برای اجرا نشدن به تصویب رسانده است. در میان قوانین جدید نیز مواردی به چشم می‌آیند که به طور ضمنی بر بی‌اعتباری ماده اول قانون جزا دلالت دارند. (توحیدخانه، ۱۳۹۵:۱۵۵ تا ۱۸۸)

۱.۴. مفهوم حقوق دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم که امروزه به عنوان جزء جدایی ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی مطرح و مورد حمایت قرار گرفته است، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است، متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که خلاف فرض براءت، علیه او مطرح شده، در شرایط آزاد و انسانی از خود دفاع کند. (جلیل امیدی، ۱۳۹۴:ش:۲۲۵)

هدف از پیش‌بینی این امتیازات و توانایی‌ها حمایت از حقوق متهم و تلاش برای جاری ساختن تساوی سلاح‌ها بین متهم و سیستم عدالت کیفری و به ویژه دادستان است.

۱.۵. مفهوم واژه حقوق

«حقوق» جمع حق است که در لغت به معنای ضد باطل، عدل، واجب، موجود ثابت، راحت، درست، سزاوار مال، ملک و یقین بعد از شک آمده است. (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۷۳۷:۲۰ و ۷۳۹)

استاد ابوالقاسم گرگی در معنای کلمه حق می‌گوید: «حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به شخص یا چیزی و اعم از عقد، عین و غیره، اعتبار شده و به مقتضای این توانایی آن کس یا کسان می‌توانند در آن چیز یا شخص تصرفی نموده یا بهره‌ای گیرند». (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱:۱۳)

معنای اصطلاحی حقوق را این گونه بیان کرده‌اند:

امتیازی که شخص در جامعه معین دارد، حقوق در این معنی به حقوق فردی تعبیر می‌شود. (خسروی، ۱۳۹۴:۲۸)

علم حقوق را از لحاظ رابطه به دو دسته خصوصی و عمومی تقسیم‌بندی می‌کنند. حقوق خصوصی حاکم بر روابط افراد با یکدیگر است و حقوق عمومی به رابطه دولت با افراد جامعه می‌پردازد. حقوق مدنی شعبه اصلی حقوق خصوصی است. حقوق تجارت، حقوق خانواده و حقوق مالکیت فکری از شعب دیگر حقوق خصوصی محسوب می‌شوند. حقوق عمومی شامل قواعدی است که بر روابط دولت و مردم حکومت می‌کند و همچنین سازمان‌های دولتی را نظم می‌بخشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۸)

حقوق اساسی و حقوق اداری دو شعبه اصلی حقوق عمومی هستند. حقوق جزا هر چند به لحاظ فنی بخشی از حقوق عمومی است، اما معمولاً به عنوان یک رشته جداگانه در نظر گرفته می‌شود.

۶.۱. مفهوم عدالت و عادلانه

راغب اصفهانی در کتاب مفردات، «عدل» را به معنای مساوات دانسته است: «عدل، به معنای تقسیم کردن به صورت کاملاً مساوی می‌باشد، به همین جهت، چنین گفته می‌شود: آسمان و زمین بر پایه عدالت، پابرجاست. یعنی اگر یک رکن از چهار رکن اساسی جهان، از دیگر ارکان اضافه‌تر یا کمتر باشد، از حکمت الهی بدور است و نظام هستی، شکل نمی‌گیرد». (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲ق، ذیل ماده عدل)

مرحوم سیدمحمدحسین طباطبایی «عدالت» را چنین تعریف می‌کند: «عدالت، یعنی به هر فردی که صاحب حق و حقوقی است، به طور کامل حقش پرداخت شود و هر چیز به جایگاه مناسب خودش گذاشته شود، گفته می‌شود». (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۸: ۳۷۱)

عادلانه یا منصفانه معادل واژه «Fair» به کار برده می‌شود که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» آمده است و نیز به معنای «معقول، عادلانه و متناسب با شرایط» است. در ادبیات قضایی، این واژه به معنای داشتن وصف بی‌طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه، غیر جانبدارانه و برابری میان طرفین منازعه، به کار برده می‌شود. این صفت در عبارت «محاكمه عادلانه» نیز بر همین معانی دلالت دارد. (فضائلی، ۱۳۸۷: ۵۰)

۲. اصول حاکم بر حقوق شهروندی متهم

اصول کلی و قانونی که هر انسانی از جمله متهم طبق آن اصول و قوانین، از حقوقی بهرمنند است.

۲.۱. اصل مساوی بودن افراد در پیشگاه قانون

یکی از ویژگی‌های نظامی مبتنی بر حقوق شهروندی، تأمین عدالت اجتماعی و منع تبعیض نسبت به همه شهروندان کشور می‌باشد.

ماده ۲۲ قانون اساسی به این مهم پرداخته و در آن آمده است:

«اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند».

ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به این موضوع اشاره دارد. در این ماده آمده است:

«همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند».

۲.۲. اصل تساوی افراد در برابر دادگاه

شالوده این اصل چنانچه در کتاب‌های فقهی با عنوان «وجوب تسویه بین خصمین» یاد می‌شود و شهرت یافته است به این معنا می‌باشد که بین دو طرفی که دعوا دارند، در اجرا کردن قانون و رعایت تمام تشریفات، به صورت تساوی رسیدگی شود.

۲.۳. اصل علنی برقرار شدن دادرسی‌ها

این اصل که در اسناد بین‌المللی و اصول ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی و برخی قوانین عادی دیگر مورد توجه قرار گرفته، از جلوه‌ها و شاخصه‌های اساسی دادرسی عادلانه است و از مهم‌ترین تضمینات آن محسوب می‌شود. با این حال، واقعیت این است که به رغم شأن و جایگاه انکارناپذیر اصل علنی بودن دادرسی‌ها، این اصل در حقوق برخی کشورها به شکل قابل قبولی تحقق نیافته و اجرای آن با موانع و چالش‌های متعددی مواجه شده است.

۲.۴. اصل حق دفاع متهم از خود

رعایت حقوق متهمین در جریان دادرسی از ملزومات اجرای عدالت قضایی است و این اصل در قوانین ملی و بین‌المللی تجلی یافته است، لذا حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف رسیدگی به یک اتهام، در مقرره‌های بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در عرصه داخلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است.

با وجود این در قوانین عادی اقدامات لازم و موثری در جهت تحقق بخشیدن به این دسته از حقوق صورت نگرفته است. یک جنبه از این حقوق، حق سکوت متهم در مراحل تعقیب، تحقیق و دادرسی است. حق سکوت متهم موافق اصول بشر و ثمره اصل برائت است. هر مقامی اعم از قضایی و انتظامی نباید متهم را مجبور به اقرار به مجرمیت یا اقرار به عمل نکرده، نماید یا او را مجبور کند علیه خود دروغ بگوید.

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت به ممنوعیت اخذ اقرار از طریق توسل به اکراه و اجبار اشاره کرده است. ضمن آنکه سکوت متهم را نمی‌توان دلیل بر صحت واقعه یا تایید آن تلقی کرد، چرا که اگر سکوت متهم را به زیان او تفسیر کنیم، خود به خود حق سکوت را از او سلب کرده‌ایم.

اگرچه در قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب سال ۱۳۹۲) هیچ مقرره صریحی در خصوص داشتن حق سکوت متهم دیده نمی‌شود، اما از ماده ۱۹۷ قانون مذکور به صورت تلویحی این حق برای متهم استخراج می‌گردد. در اسناد فرا ملی نیز حق سکوت متهم موضوعی است که تکلیف یا عدم تکلیف مقامات قضایی و محدوده آن در آگاه کردن متهم مبنی بر ساکت ماندن در مقابل اتهامات مشخص گردد.

۲.۵. اصل جایز بودن پذیرش و کیل در دعوای

مرحوم شیخ الطائفه، طوسی در کتاب التهذیب خود از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل کرده است:

«من مطابق با وجود شاهد و قسم خوردن شما میانتان قضاوت می‌کنم». (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲۲۹: ۶)

در حقیقت این گونه احادیث بیانگر این مطلب می‌باشد که ضعیف بودن طرفین دعوا در اقامه دلیل جهت اثبات حق خود، نباید از صدور رأی عادلانه که توسط قاضی باید انجام شود، ممانعت کند. در برخی موارد که مشکلی نباشد، اضافه بر اینکه گرفتن و کیل،

مانعی ندارد، بلکه از جهت کمک کردن به تحقق عدالت، لازم و ضروری است که وکیل گرفته شود. حتا در اختلافی که میان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و طلحه اتفاق افتاد، امیرالمؤمنین، مدعی علیه بودند و برای دفاع از خود، عبدالله بن جعفر (برادرزاده حضرت) را وکیل کردند تا از حششان دفاع کند. این کار، دلالت بر جواز وکیل گرفتن می‌کند. (محمدبن سهل سرخسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۱۹)

۲.۶. اصل برائت

اصل برائت یکی از اصول بنیادین حقوق جزاست که به دفاع از اولین و مهم‌ترین حق دفاعی متهم می‌پردازد. قانونگذار هر کشوری به مانند بسیاری از سیستم‌های قضایی دیگر اصل برائت را پذیرفته و جهت استحکام و تثبیت هرچه بهتر آن، آن را در قانون اساسی جای داده و در موارد متعدد آیین دادرسی به حمایت از این اصل و در واقع به حمایت از حقوق متهم پرداخته است.

اصل برائت بیان می‌کند که اصل بر بری بودن متهم و آزاد بودن اوست و اینکه متهم همان مجرم است، امری است خلاف اصل و باید آن را به ثبات رساند. و از آنجا که اصل بر گناهکار نبودن متهم است تمامی حقوق انسانی که یک فرد آزاد و یک غیر متهم از آن برخوردار است متهم نیز باید از آن برخوردار باشد مثل حق داشتن، وکیل، آزاد بودن و

در همین ارتباط ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید: «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود، تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود».

۲.۷. اصل ضرور بودن جبران خسارت‌های وارد شده بر فرد متهم

از دیدگاه مباحث دینی و اسلامی، افراد متهم و مجرم هیچ گاه از حقوق ذاتی خود که خداوند به همه عنایت کرده است محروم نخواهند شد و ظلم کردن و اجحاف حقوقشان روا نیست.

امام علی (ع) به غلام خود قنبر فرمان داد که مردی را حد بزند، غلام، از روی اشتباه سه تازیانه بیشتر زده بود، امام (ع) غلام را به سه تازیانه، قصاص کردند. (حر عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۸: ۱۶۵)

روشن است در آنجایی که خسارت مجرم جبران پذیر باشد، ضروری است که خسارت وارده بر متهمی که هنوز جرمش ثابت نشده، جبران شود.

۲.۸. صدور قرار تأمین متناسب با وضعیت متهم

قرار تأمین، قیدی است محدود کننده آزادی که مطابق ترتیبات قانونی و برای امکان دسترسی به متهم، درباره وی اعمال می شود. اخذ تأمین، اولین اقدام رسمی است که پس از بازجویی از جانب مقام قضایی صورت می گیرد. مطابق ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری، به خاطر دسترسی به فردی که مورد اتهام است و حاضر شدن به موقع او در موادی که لازم بوده و پیشگیری از فرار یا مخفی شدن و یا توافق و تبانی با فردی دیگر، قاضی موظف بوده از تفهیم اتهام بدوی یکی از قرارهای تأمین کیفری را صادر نماید.

۲.۹. اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها

این اصل، یکی از اصولی است که براساس قبح عقاب بلابیان در دین اسلام ثابت است. از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده که حضرت بیان داشت: «تا حدی که می توانید مجازات و حدود الهی را از مسلمانان دور بسازید. اگر برایشان راه چاره‌ای پیدا کردید، از آن راه استفاده کرده، او را آزاد نمایید؛ چون اگر پیشوای قضاوت (حاکم) در حکمش خطا کند، بهتر خواهد بود از اینکه در کیفر و مجازات کردن، گرفتار خطا شود». (ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۳۰۵: ۲)

۲.۱۰. اصل ممنوع بودن شکنجه در گرفتن اقرار

«اقرار»، نوعی خبردان به یک حقی است که به نفع دیگری و به ضرر فرد اقرار کننده باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۸) اقرار از دلایل قوی اثبات جرم می باشد، اما حتماً باید با اختیار و دور از اکراه و اجبار به وقوع بپیوندد، لذا اقراری که بر اثر تهدید، شکنجه، حبس و... بوده باشد، جایز نیست و غیر شرعی خواهد بود.

یکی از ویژگی‌های قانون اساسی کشور، ممنوعیت رفتار و برخورد مخالف کرامت انسانی با مجرمین است چنانچه در ماده ۲۹ آمده است:

«هیچ شخصی نمی‌تواند حتا به قصد کشف حقایق از شخصی دیگری اگرچه در تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند و یا امر بدهد».

۳. حقوق شهروندی در افغانستان و مراحل حقوق متهم

حق شهروندی آزادی بیان یکی دیگر و یکی از پرچمال‌ترین آزادی‌هایی است که در زندگی انسان‌ها جاری است. این حق شکننده و درعین حال قوی، از تعرض مصون است. (علامه، ۱۳۹۰، ج ۳، ماده ۳۹۴) یعنی هر افغانستانی حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج قانون اساسی اظهار نماید. و مطابق احکام قانون، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی به طبع و نشر آن پردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد. (همان، ماده ۳۹۸) ماده ۳۴ قانون اساسی دو قید دارد:

قید اول «رعایت احکام مندرج این قانون اساسی».

قید دوم «تنظیم توسط قانون».

در ماده ۲۶ قانون اساسی، طبق الگوی حق شهروندی شخصی بودن جرم، هر فرد جوابگوی عمل مجرمانه خویش است. قانون اساسی نیز همین مسئله را تبیین کرده است، اما به ابعاد کیفری کسی که عمل مجرمانه نقض حقوق شهروندی شخصی بودن جرم را مرتکب می‌گردد هیچ اشاره‌ای نکرده است. جای این سؤال وجود دارد که اگر پولیس یا حکومت، شهروند افغانستانی را به جرم اتهام شهروند دیگر بازداشت یا مجازات کند، قانون چه حکم می‌کند؟ اگر چه قانون اساسی در این مورد حکم صریح ندارد، اما می‌توان گفت که بر اساس اصل حق رجوع مؤثر و همچنین منع بازداشت خودسرانه، دستگاه پولیس یا حکومت مرتکب نقض حقوق اساسی اتباع شهروندان کشور به حساب می‌آید.

حقوق شهروندی در قانون اساسی افغانستان منطبق با حقوق بشر است. آن طوری که در قانون اساسی افغانستان آمده است، حقوق فردی تا حد زیادی با اعلامیه جهانی حقوق بشر انطباق دارد. از حقوق طبیعی، حق زندگی و داشتن لوازم و ضروریات زندگی تا حق کار، حق مصونیت شغلی، حق مصونیت مسکن، محرمیت، مواصلات و مخابرات در قانون تسجیل شده است و نیز حقوق اساسی از جمله حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، حق شرکت در اجتماعات، عضویت در احزاب و اتحادیه‌ها در قانون آمده است.

البته تا جایی که پای عمل در تخطی و گریز از قانون به میان نیاید، می‌توان به زمینه قانونی این حقوق اذعان داشت. سایر جنبه‌های حقوق فردی از جمله حق آزادی فکر و اندیشه، حق آزادی بیان، حق فعالیت‌های علمی و نیز ادبی قانوناً تثبیت گردیده است. بنابراین قانون اساسی افغانستان در پرتو دین مبین اسلام و حقوق بشری امروز بهترین قانون می‌باشد که بر اساس آن دولت منتخب، مردمی و مشروع به اساس انتخابات آزاد و عادلانه تشکیل گردید که امروز مردم جامعه ما بعد از سالیان طولانی مصایب، درد و رنج در یک فضای آزاد زندگی کرده و حق اعتراض و اعاده حقوقشان مبتنی بر قانون تثبیت شده و دولت مکلف است که این حقوق را نهاده‌ینه و از آن دفاع نماید.

۳.۱. حقوق شهروندی متهم

یکی از ویژگی‌های نظام دموکراتیک، شکل‌گیری جامعه بر معیار حقوق شهروندی می‌باشد. در این نوع نظام، حکومت‌ها مکلف‌اند، تا حقوق اساسی افراد و شهروندان را تضمین و از آن حمایت نمایند. بر اساس نظام شهروندی، همه شهروندان ذاتاً دارای حقوق مدنی و سیاسی بوده، چنانچه در همین ارتباط اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اشاره کرده است. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر، تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲ از جمله قوانین اساسی است که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و دموکراتیک تدوین گردیده که در آن حقوق اساسی بشر به عنوان حقوق شهروندان ذکر شده و دولت مکلف به رعایت آن شده است.

براساس ماده ۱۷ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی (مصوب ۱۹۴۹م.) آمده است که تعرض غیر قانونی نسبت به شرافت و حیثیت فرد متهم، ممنوع می‌باشد. در بند یک ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است: «هرکس دستگیر می‌شود، حتماً باید هنگام دستگیری خود، از سبب و علت آن اطلاع داشته باشد و در سریع‌ترین زمان ممکن اختاریه‌ای مبنی بر هر نوع اتهامی که به وی نسبت داده می‌شود، دریافت دارد».

فرد متهم مستحق است که به همراه یک وکیل پیش مقام تحقیق کننده پرونده‌اش، حاضر شود و همه تحقیقاتش باید در حضور وکیل و اطلاع او صورت گیرد و محرمانه باشد. مراحل حقوق متهم بدین شرح است:

۳. ۱. ۱. حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

در این قسمت، به عمده‌ترین حقوقی که در قانون اساسی برای شهروندان تضمین گردیده، اشاره می‌شود.

أ) احضار یا جلب متهم:

طبق مبانی اصول و قوانین، احضار یا جلب متهمین به وسیله احضارنامه یا برگه جلب صورت می‌گیرد که صدور آن با دستور مقام قضایی ممکن خواهد بود. اختیارات پلیس نیز در این مرحله کشف جرم، با متفاوت بودن جرایم مشهود و جرایم غیرمشهود، روبه‌رو است.

طبق ماده ۲۴ قانون اساسی ایران در جرایم مشهود، مأمورین پلیس حق دارند دخالت داشته باشند، و به سبب محفوظ ماندن آثار جرم و دستگیری متهم، اقدام به عمل کرده و شخص متهم را در مدت زمان ۲۴ ساعت، در مقابل مقام قضایی حاضر می‌کنند.

ب) منع تعقیب متهم و توقیف خودسرانه او:

به همان اندازه که نیروهای دولتی متعهد به احترام گذاشتن حقوق و آزادی‌های افراد هستند، به جهت محفوظ ماندن نظم جامعه هم مبارزه با مجرمان از مهم‌ترین تکالیف و وظایف حکومتی به حساب می‌آید. لیکن در تلفیق میان حفظ حرمت اشخاص و برقراری نظم جامعه، می‌بایست متوجه بود که آزادی به عنوان یکی از حقوق طبیعی، فطری و همیشگی است و همچنین برهم زدن نظم جامعه، فعلی استثنایی محسوب می‌شود که در این هنگام، تعقیب و دستگیری این افراد متعرض و مخل نظم جامعه، باید منطقی، توجیه‌پذیر و طبق ضوابط قانونی باشد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۸)

در قانون اساسی ایران اصل ۳۲ آمده است:

«نمی‌توان هیچ کس را دستگیر نمود مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین می‌کند».

ج) احترام به حیثیت ذاتی افراد:

فرد متهم حق دارد از رفتاری منطبق با حیثیت ذاتی انسان برخوردار باشد.

در اصل ۳۹ قانون اساسی آمده است:

«هتک حرمت و حیثیت افراد ممنوع است و موجب مجازات است، هرکسی که با

حکم قانونی دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده باشد».

د) حق سکوت:

«سکوت» در لغت عبارت از خودداری از گفتن و حرف نزدن و خاموشی است. در مفهوم حقوقی نیز سکوت یعنی عدم اعلان اراده صریح باطنی، و امری سلبی است، چرا که سکوت چیزی جز عدم نمی‌باشد. در سکوت در حوزه اخلاق و مذهب آثاری مترتب است که در حقوق آن آثار بر سکوت مترتب نیست. (ذاکر حسین: <http://dadgostary-Tehran.Ir>)

از جمله حقوق اصلی و بنیادین هر فرد متهمی، این است که سکوت اختیار کند؛ یعنی متهم حق دارد به سؤالات مقام قضایی پاسخ ندهد و ساکت بماند. در چنین مواردی، مرجع قضایی حق نخواهد داشت وی را مجبور به پاسخگویی نماید، بلکه موظف بوده، سکوت متهم را در برگه صورت جلسه ثبت کند و جهت کشف حقیقت، راجع به دیگر دلایلها تحقیق کند.

ح) حق تفهیم اتهام:

حق تفهیم اتهام و مواظبت در اظهارات از جمله حقوق اولیه یک متهم است، زیرا یک شخص که به دادسرا جلب می‌شود، ابتدا باید بداند به چه اتهامی تحت بازجویی قرار گرفته است.

در این خصوص قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) بیان کرده است که اولاً قاضی هویت و مشخصات شخص متهم را و همچنین آدرس دقیق او را از وی سؤال کرده به گونه‌ای که ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق به سادگی مقدور باشد و یادآور می‌گردد که مواظب و مراقب اظهار نظرهای خود باشد و بعد از آن، موضوع تفهیم اتهام و ادله آن را به صورت واضح و شفاف به متهم تفهیم کرده، آن‌گاه به تحقیق شروع می‌کند. تمام سؤالها لازم است مفید و روشن باشد و پرسیدن سؤالاتی که جنبه تلقینی دارد یا القا کننده چیزی بوده یا اکراه و اجبار شخص متهم، ممنوع است. اگر به هر دلیلی متهم از پاسخ دادن به سؤالات، امتناع کند، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود.

در اصل ۳۲ قانون اساسی ایران می‌خوانیم:

«موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود».

۳. ۱. ۲. حقوق متهم در مرحله دادرسی

أ) مرحله جمع‌آوری ادله، له و علیه متهم:

در عصر حاضر، یکی از مسایل حاد حقوق بشر، گزینش و انتخاب وکیل مدافع می‌باشد که به حیث یک اصل در هنجارهای بین‌المللی، قانون اساسی و قوانین عادی کشور پذیرفته شده است.

ماده ۳۱ قانون اساسی به این موضوع اشاره دارد:

«هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می‌کند در محکمه حاضر گردد».

قانون اساسی افغانستان آزادی را حق طبیعی هر انسان دانسته و دولت را مکلف به حمایت از آن نموده است. در ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان آمده است:

«آزادی حق طبیعی انسان است، آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است، دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسانی مکلف می‌باشد».

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲ نیز به این موضوع اشاره دارد:

«هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده‌ای دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌های که در اعلامیه ذکر شده، بهره‌مند گردد».

ب) مرحله صدور قرار تأمین متناسب

۱. صدور قرار با بازداشت موقت:

بازداشت موقت سنگین‌ترین قرار تأمین کیفری است که صدور قرار مذکور توسط بازپرس نیاز به تأیید دادستان دارد و اصل بر عدم امکان صدور این قرار می‌باشد، مگر در خصوص جرایم احصا شده در قانون و تحت وجود شرایط مطروحه که قابلیت صدور خواهد داشت.

۲. صدور قرار غیر از بازداشت موقت (ضمان و کفالت):

کفالت در حقیقت عقدی است که اثر آن التزام و تعهد شخص ثالث است نسبت به احضار بدهکار و تسلیم او به طلبکار، هرگاه که آن را بخواهد. (موسوی خویی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۹۰) به این معنا که شخص ثالث به سود متعهدله ملتزم می‌شود که متعهد و بدهکار وی را برای او احضار کند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹ق، ج ۶: ۱۵۰) ماده ۷۳۴ قانون مدنی می‌گوید:

«کفالت عقدی است که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر، احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند. متعهد را «کفیل»، شخص ثالث را «مکفول» و طرف دیگر را «مکفول له» می‌گویند».

ج: دادرسی فوری و بدون تأخیر موجه:

فوریت، امری موضوعی است که تشخیص آن به صلاحدید دادگاهی که به درخواست رسیدگی می‌کند، واگذار شده است. این امر در ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده است. فوریت وقتی وجود دارد که اگر درخواست دستور موقت پذیرفته نشود، قبل از اینکه حکم در اصل دعوا صادر شود، به متقاضی دستور، خسارتی خطیر و غیرقابل جبران که فوریت دارد (فوری یا قریب الوقوع است) وارد خواهد شد.

بنابراین مفهوم فوریت و خسارت در یکجا جمع می‌شود. بررسی مفهوم خسارت و فوری بودن یا قریب‌الوقوع بودن، امری موضوعی است و در نتیجه اگر دادگاه تشخیص دهد که احتمال ورود خسارت قبل از صدور حکم در اصل دعوا وجود ندارد یا ضعیف است، دستور موقت صادر نمی‌کند.

دستور موقت اقدامی است که به تبع اصل دعوا درخواست می‌شود (مواد ۳۱۱ و ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی) بنابراین دستور موقت اقدامی تبعی است. دادرسی فوری و دستور موقت برای رسیدگی فوری به اصل دعوا و صدور حکم فوری تأسیس نشده، بلکه اقدامی است که در حاشیه اصل دعوا انجام می‌شود.

د) علنی برگزار شدن جلسه دادرسی:

علنی بودن دادگاه‌ها اصلی است که قانونگذاران استثناهایی را هم برای آن ذکر کرده‌اند. در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب سال ۱۳۷۸ مواردی که دادگاه باید به صورت غیرعلنی برگزار شود تصریح شده است.

در ماده ۱۸۸ این قانون چنین آمده:

محاکمات دادگاه علنی بوده به جز مواردی که به تشخیص دادگاه مشخص شده مثل:

۱. امور خانوادگی یا دعوای خصوصی، آن هم به درخواست طرفین دعوا.
۲. اعمال و کارهای که منافی عفت و پاکدامنی است و جرایمی که خلاف اخلاق حسنه بوده باشد.

۳. جایی که علنی بودن محاکمه، اخلال در امنیت ایجاد کند یا احساسات مذهبی را

تحریک نماید.

ح) حضور هیئت منصفه:

حضور اعضای محترم هیئت منصفه به عنوان یک گروه که از میان جامعه و مردم، به عرصه حکمرانی و قضاوت می‌آیند و حاضر می‌شوند، به دیدگاه دانشمندان دادرسی، حضور این اعضا باعث و سبب تقویت و حمایت بسیار زیاد آنان بر نظارت، بررسی و مشارکت مردمی در محفوظ ماندن حقوق افراد و حراست از حقوق و حفظ آن، و آزادی‌های اساسی افراد در مدت زمان محاکمات کیفری به حساب خواهد آمد.

مطابق با اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران که در آن تصریح می‌کند به رسیدگی به جرایم مطبوعاتی افراد و جرایم سیاسی اشخاص، علنی بوده و با حضور اعضای محترم هیئت منصفه در محاکم و مجالس دادگستری صورت می‌گیرد...، لازم و ضروری است. (الهام، ۱۳۷۹، ش ۳۶)

(و) حضور وکیل دادگستری:

شخصی که وکالت کسی را می‌پذیرد، وظیفه دفاع از حق او را عهده دار می‌شود و حضور در جلسه دادرسی لازمه اعمال درست این تکلیف است. به همین علت قانون، حضور وکیل دادگستری در جلسه دادگاه را ضروری می‌داند. البته این ضرورت طبق ماده قانون آیین دادرسی مدنی از حیث تکلیف وکیل است و گرنه صرف عدم حضور وکیل، بر اساس ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی اصولاً مانع رسیدگی دادگاه نیست.

۳.۱.۳. حقوق متهم در مرحله اجرای احکام

اجرای مقررات حقوقی مستلزم دو چیز است؛ یکی وجود دادگاه‌های تجدیدنظر و دیگری پیش‌بینی مهلت مناسب برای درخواست تجدیدنظر.

از نظر کمیته حقوق بشر، رسیدگی نکردن دوباره محکومیت متهم، بعد از ۳۴ ماه به علت دسترسی نداشتن به پرونده، تخلف محسوب می‌شود از دستور بند ۵ ماده ۱۴ میثاق. بند ۲ از ماده ۲ پروتکل ش ۷ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، این چنین محدودیت‌هایی را پذیرفته است. (امیدی، ۱۳۹۴:۱۵۵)

الف) حق آزادی و محرمتی مراسلات:

یکی از حقوق اساسی شهروندان محرمتی مراسلات و ارتباطات آن‌ها است. چنانچه در ماده ۳۷ قانون اساسی افغانستان آمده است:

«دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد مگر مطابق به احکام قانون».

ب) حق آزادی سفر و تعیین محل سکونت:

یکی از حقوق اساسی دیگر حق آزادی در سفر و انتخاب محل اقامت می‌باشد. در ماده ۳۹ قانون اساسی آمده است: «هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون منع قرار داده است».

ج) حق مشارکت سیاسی:

یکی از ویژگی‌های دیگر نظام دموکراتیک مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی‌شان می‌باشد. قانون اساسی افغانستان نیز به همین ارتباط اشاره کرده و در ماده ۳۳ می‌نویسد: «اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند».

د) حق داشتن ملکیت:

یکی از حقوق اساسی هر شهروند در یک نظام مردم‌سالار، داشتن حق ملکیت می‌باشد. ماده ۴۰ قانون اساسی می‌گوید:

«هیچ شخصی از کسب مالکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود، مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت صادره نمی‌شود. استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می‌باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می‌گیرد».

ح) حق تعلیم و تربیت:

یکی از حقوق مهم و اساسی شهروندان بالای حکومت، زمینه‌سازی تعلیم و تربیه برای فرزندان شان است.

در ماده ۴۳ قانون اساسی آمده است:

«تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌شود».

در ماده ۴۴ قانون اساسی نیز در مورد تعلیم و تربیت آمده است:

«دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی‌سوادی در کشور، پروگرام‌های موثر طرح و تطبیق نماید».

و) حق کار و انتخاب شغل و پیشه:

انسان در زندگی روزمره خویش و برای بقای حیات خویش ضرورت به مدرک مالی دارد تا اینکه بتواند از طریق حلال و مشروع کار و کسب نماید و مزد خویش را استحصال و حوایج زندگی خویش را مرفوع سازد، روی همین علت است که مقنن طی ماده ۴۸ در قانون اساسی به این حق اشاره کرده است:

«کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون آزاد می باشد».

ز) حق دسترسی به خدمات صحی:

انسان یک موجود حی است، بنابراین امراض یک موضوع عارضی است که در طول زندگی انسانی به وقوع می پیوندد و انسان به خاطر بقای حیات خویش از نظر طبیعت غریزه‌ای می خواهد تا با امراض مجادله نماید و نگذارد تا او را از پا بیندازد.

بنابراین حق دسترسی به خدمات طبی نیز طی ماده ۵۲ قانون اساسی چنین صراحت دارد:

«دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می نماید. دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند. دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزش‌های ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.»

ه) حق حمایت از خانواده:

یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشری افراد، حق ازدواج و تشکیل خانواده است. این حق از حقوق اساسی افراد شمرده شده و مورد احترام قانون و ضوابط قانونی می باشد. حق ازدواج و تشکیل خانواده در اسناد بین الملل حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده و به صورت واضح بر رعایت آن، تأکید شده است. در اسناد حقوق بشر شرایط اساسی احقاق این حق را «رضایت آزادانه و کامل طرفین» پنداشته است.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۲۳ به صراحت بیان می کند:

«خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد. حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می رسند، به رسمیت شناخته می شود. هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی شود» (وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال ۱۳۹۱:۶۶)

نتیجه گیری

با توجه به مبنای عدالت، حفاظت از امنیت عمومی و رعایت حقوق شکایت کننده و فرد متهم، از جمله مهم ترین اصل از اصول آیین دادرسی کیفری محاسبه می شود و

کوشش در پایدار شدن عدالت اجتماعی بر تمام نظام قضایی، کاری ضروری و واجب می‌باشد. زیاد شدن جرم‌ها و گسترش عنوان‌های مجرمانه و قوانین مربوط به جرم‌های کیفری، سبب نادیده گرفتن حقوق و شخصیت فرد متهم شده است.

حقوق شهروندی نزد شهروندان، ثابت و محفوظ است و نه تنها آن را دولت ایجاد نمی‌کند، بلکه باید آن را رعایت کرده و از آن حمایت کند و حتی آنجا که خود، این حقوق را نقض کرده است، جبران کند.

در واقع، قوانین آیین دادرسی کیفری، وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بتواند بین دو حق، یعنی حق جامعه که از جرم متضرر شده از یکسو و حق انسانی که فعلاً به عنوان متهم شناخته شده است از سوی دیگر تعادل ایجاد کند، لذا در نظام قضایی اسلام باید اندیشه علوی و فقه امام صادق علیه السلام حاکم باشد تا ضمن بررسی و نظارت دقیق بر اجرای درست قوانین مصوب و برطرف کردن خالی‌گاه‌های مواد قانونی، تمام حقوق فرد متهم مورد توجه و حمایت قرار گیرد.

با توجه به مطالب گذشته، می‌شود چنین گفت که اهمّ اصول و قواعد مربوط به حقوق متهم یک مسئله مشترک و همگون میان حقوق اسلام و حقوق عرفی است. حقوق اسلام به عنوان یک نظام کیفری مستقل و ابتدای آن بر منابعی چون قرآن، سنت، اجماع و عقل، متضمن احکام و دستورهایی است که پایه حقوق متهم را به نحو مستحکم و راسخ تضمین می‌کند و با دستورات خود شالوده یک نظام قضایی کارآمد همراه با تضمین امنیت و عدالت قضایی جهت حفظ امنیت جان و حیثیت متهم و تأمین حقوق مادی و معنوی متهم را پایه‌ریزی می‌کند. دادرسی اسلامی با سبک و سیاق متفاوت با دادرسی‌های نوین، مبتنی بر اسلوب یک مرحله‌ای است که برخی از حقوق شناخته شده برای متهم در مراحل دادرسی آن طور که در نظام دادرسی فعلی رایج است در نظام قضایی اسلامی قابل تصور نیست.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- آشوری، محمد(۱۳۵۱)، «بحثی پیرامون توقیف احتیاطی»، تهران: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- (۱۳۷۹)، «عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی»، تهران: نشریه مؤسسه تطبیقی.
- اخگر، قسیم(۱۳۸۵)، «شهروند کیست؟ چه وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال دولت و جامعه و دارد؟»، گفتگوی بنیاد آرمانشهر، ۱۸: ۸-۳.
- امید، جلیل(۱۳۹۴)، تفسیر قانون در حقوق جزا شامل: مفهوم، مراجع، رویکردها، ضرورت‌ها، قواعد، پیش‌فرض‌ها و ابزارهای تفسیر، تهران: انتشارات مخاطب.
- الهام، غلامحسین(۱۳۷۹)، جایگاه هیئت منصفه در حقوق ایران، فصلنامه معرفت، ش ۳۶
- بخشنامه حقوق شهروندی(۲۰۰۸م)، قوه قضائیه؛ وبگاه حقوق، بازبینی شده در ۱۴ مه ۲۰۰۸م.
- بجنوردی، حسن موسوی(۱۳۸۹ق)، القواعد الفقیه، نجف‌اشرف: مطبعه الآداب.
- توحیدخانه، محمدصدر(۱۳۹۵)، اعتبار اصل قانونی بودن در حقوق کیفری افغانستان: مشکله‌ها و راه کارها؛ پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، ش ۱۷، زمستان ۱۳۹۵: ۱۵۵ تا ۱۸۸.
- حر عاملی، محمدحسن(۱۴۰۲ق)، وسایل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه.
- خوبی، ابوالقاسم موسوی(۱۳۹۴)، منهاج الصالحین، مکتبه لطفی تهران.
- خسروی، حسن(۱۳۹۴)، حقوق اساسی(رشته مدیریت)، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
- دهخدا، علی اکبر(۱۳۲۵)، لغت نامه، ج ۱، تهران: چاپخانه مجلس.

- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۷۲ق)، مفردات ألفاظ قرآن کریم، تهران: انتشارات مصطفوی.
- رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی، تهران: نشر آریان.
- زراعت، عباس (۱۳۷۹)، شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۱، تهران: ققنوس.
- زیبایی، رضا و عباسی، خدابخش (۱۳۹۵)، «بررسی فقهی بایدها و نبایدهای برخورد با متهم در فعالیت‌های اطلاعاتی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی فقه اطلاعاتی / پژوهشکده اطلاعات، جلد پنجم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، ج ۱.
- ستانکزی، نصرالله (۱۳۸۷)، قاموس اصطلاحات حقوقی، کابل: دانشگاه حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل.
- سرخسی، محمد بن سهل (۱۴۰۳ق)، المبسوط، استامبول: دارالمرعوه.
- سلجوقی، محمود (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل خصوصی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۶)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دارالعلم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۹۵ق)، مجمع البحرین، طهران، مکتبه المرتضویه.
- طوسی، ابی جعفر محمد (۱۳۶۵)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- علامه، غلامحیدر (۱۳۹۰)، قانون جزایی افغانستان (مجموعه مقالات)، تهران: محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان).
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۲)، حقوق اقلیت‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- غلام حیدر (۱۳۸۷)، «حق دفاع متهم در اسناد بین‌المللی و قوانین افغانستان»، دوفصلنامه حقوق و سیاست: پاییز و زمستان ۱۳۸۷، دوره ۱۰ ش ۲۵ از صفحه ۹۳ تا ۱۲۴
- فضائی، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی، ج ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، اثبات و دلیل اثبات، تهران: نشر میزان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۶ق)، میزان الحکمه، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۱)، حقوق کیفری اسلام، ج ۱، انتشارات مهدی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ لغت معین، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۰۸ق)، فقه القضاء، ج ۱، قم: کتابخانه امیرالمؤمنین.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ج ۱، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.